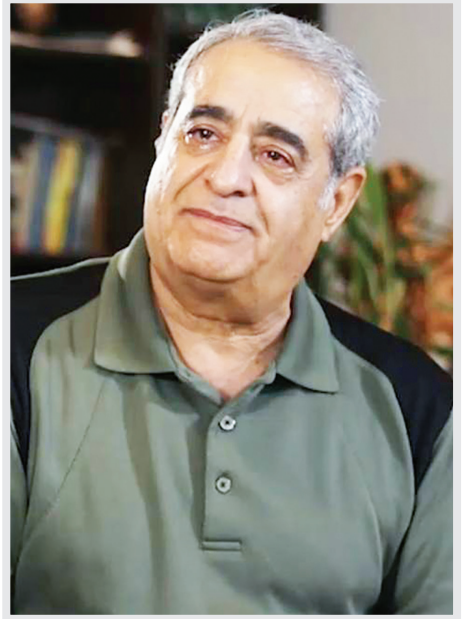


روزنامه اقتصاد کیش روایت می کند:

در پستوی خاطرات "محمدرضا یزدان پناه" از کیش همواره سعی داشتم مزاحم مردم نباشم

اقتصاد کیش - خسرو معتضد تاریخ نگار، مجری و کارشناس «برنامه های تاریخ معاصر» در بخشی از یکی از کتاب های تاریخی خود می نویسد: "جزیره کیش را سال ها پیش از ورثه مالکی که مدعی مالکیت خاک یک جزیره ایرانی بودند؛ آن ورثه محمد رضا خان سطوت الممالک بستگی، به قیمت نهمصد هزار تومان سرجمع خریدند و دولت وقت صاحب جزیره ای شد که ناصرالدین شاه یا پسر او مظفرالدین شاه، آن را به خانواده قوام الملک شیرازی بخشیدند و قوام الملک هم آن را به بهایی ناچیزی به سطوت الممالک بستگی فروخته بود."



تحصیل بود و اگر توفیقی برای من بوده دلیل آن چیزی جز روحیه و حمایت مادر نبود... (اشکسک از چشمشمان جاری می شود) توفیق بزرگی نصیبم شد که چند ماه آخر زندگی را در کنارش باشم و باهم زندگی کنیم...
بعد از گرفتن دیپلم به تشویق مادر برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شدم و در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در اورنج کانتی از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۰ در رشته مهندسی راه و ساختمان فارغ التحصیل شدم و تا دو سال بعد از انقلاب در آمریکا بودم. بعد از انقلاب هیجان بسیاری برای بازگشت به کشور به قصد خدمت داشتم. به همین خاطر وزارت جهاد سازندگی را انتخاب کردم و بعد از آن به خاطر آشنایی قدیمی که با آقای مهندس میرزاده در استانداری کرمان داشتم و به عنوان نماینده جهاد برخی سفرها را باهم داشتم باعث شد در زمان خدمت در جهاد سازندگی تهران به نهاد نخست وزیری بروم. در آن زمان "سازمان عمران کیش" هم زیر نظر معاونت اجرایی نخست وزیری فعالیت می کرد و یکی از مسئولیت های من طبق نظر آقای میرزاده نظارت بر سازمان عمران کیش بود.

سازمان عمران کیش در آن مقطع به صورت شرکتی و تحت نظارت هیئت مدیره اداره می شد و من هم به عنوان عضو هیئت مدیره منصوب شدم و بعد هاد مسیر کار و فعالیت ها، آقای میرزاده تشخیص داد که من مدیر عامل کیش شوم و بتوالتیم جزیره را فعال کنیم.
از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ در کیش بودم کیش اصلاح شرایط خوبی نداشت، حتی رفت و آمد به جزیره کیش یکی از کارهای سخت و دشوار بود ما اگر در نظر داشتیم به کیش باییم نزدیکترین راه پرواز از تهران به بندر لنگه بود که یک پادو پرواز در هفته داشت. از بندر لنگه با ماشین به بندر چارک که در ۴۰ کیلومتری جزیره بود می آمدیم و از آنجا باید منتظر وضعیت آب و هوای ماندیم و در فرصت مناسب با قایق های کوچک و یالنج باری به کیش می رسیدیم. اولین سفر ما به قدری سخت بود که امید به رسیدن به کیش نداشتیم. پرواز مستقیم به کیش هم به صورت باری و بسیار اندک بود که در پایگاه نیروی هوایی وجود داشت و گاهی با برقراری ارتباط می توانستیم از آن استفاده کنیم. البته این کار معطلی بسیاری داشت و اکثر اوقات هم ظرفیت آن پرواز بود که همین خاطر اکثراً ترجیح می دادیم سفر کنیم. در سفر اول هنوز حکم مدیر عاملی نداشتیم و فقط عضو هیئت مدیره بودم و آشنا با کیش. برای اولین بار به کیش سفر کردم و می خواستم طی بازدید برآوردی از وضعیت کیش داشته باشم و گزارشی را به آقای میرزاده بدهم. نیروگاه کوچکی که بازدید کار می کرد، کارگاه کوچک تولید کنتسرو ماهی و نگاهبان هتل های نیمه کاره و کاخ ها، رستوران میرمها و هتل های که فقط جاهایی از آن سالم و دست نخورده بود و ویلاهای متروکه بود تنها دارایی های کیش بود و چیزی که سالم و ماندگار باشد و بتوان از آن استفاده کرد تقریباً وجود نداشت و حتی چراغ روشن هم نبود و در شب با نور ماشین بازدیدها انجام می شد. در طول بازدیدها با دیدن آن حجم از خرابی اشکمان در می آمد و نمی دانستیم باید چه کار کنیم؟ در آمدن زایی سازمان عمران کیش هم دچار مشکل بود بطوریکه برای پرداخت حقوق کارکنان کابل های فشار قوی موجود و بلا استفاده را بسا در آوردن و فروختن منم پرداخت می کردند. این وضعیت اسفبار و بغرنج وجود داشت تا اینکه در سال ۱۳۶۷ حکم مدیر عاملی من توسط دکتر میرزاده ابلاغ شد و من در این مدت به خاطر پیگیری هایی که داشتمم اوضاع کیش تقریباً دستم آمده بود و کمی مسط به امور شده بودم و به این نتیجه رسیدم که می شود در کیش کارهایی انجام داد.

قبل از این همه اقدامات توسط سازمان اداره می شد و حتی رستورانی هم که می خواست راه اندازی شود سازمان مسئول تامین مواد اولیه آن نبود و ذهنیت مثبتی از حضور بخش خصوصی به هیچ عنوان وجود نداشت چه برسد به اینکه بخواد به کار برد حضور بخش خصوصی در کیش توجه نشود! اما من خوشبختانه از این مرزها

عبور کرده بودم و معتقد بودم می بایستی کار را به دست دیگران بدهیم و تنها نظارت کنیم و سرمایه گذار جذب نماییم. بدین سان کارهای مختلفی را همزمان شروع کردیم و اولین اقدام مالکیت کیش به سازمان بود. مالکیت کیش ابتدا ظاهراً برای بنیاد مستضعفان بود که آن را به سازمان عمران کیش انتقال دادیم که این موضوع پرسره بسیار پیچیده و وقت گیری بود. تا پیش از اعطای مالکیت به سازمان دست به هر کاری میزدیم مانعی درست می کردند. برای مثال به این نتیجه رسیدیم که باید درختکاری در کیش انجام شود و "نخل" گیاه مناسبی بود و ویژگی آن مناسب کیش بود، در یکی از این روزها تعداد زیادی نخل به جزیره در حال انتقال بودیم که فرمانداری بندر لنگه جلو کار را گرفت و گفت: مجوز کاشت ندارید و تمام نخل ها از بین رفت! یا در نظر داشتیم قرینه هتل گلدیس که به "هتل سه طبقه" معروف بود را اجرا کنیم که مسافر جای اسکان داشته باشد اما جلو کار را گرفتند و مجموعه ای از این اتفاقات باعث شد تا تصمیم بگیریم زمین جزیره را به نام خود سازمان (سازمان منطقه آزاد کیش) ثبت کنیم و وقتی صاحب ملک شدیم اقدامات عمرانی و ساخت و ساز از آن موقع به صورت جدی شروع شد. در آن زمان زمین را به سرمایه گذاران جهت ساخت و ساز، اجاره دادیم چون اصلاً جسارت فروش زمین وجود نداشت.

گزینی به سال های قبل انقلاب

در رژیم گذشته وقتی شروع به آبادانی کیش می شود ساحل شرقی که زیباترین ساحل کیش و به ماسه نقره ای شهرت داشت بود به عنوان نوار سیاحتی پیشنهاد می شد. در این ساحل روستایی به نام ماشه وجود داشت که بومیان در آن ساکن بودند. در آن زمان شخصی به نام "مصطفی" که مسئولیت داشته است با بومیان صحبت می کند و منطقه "سفین" را در اختیار آن ها قرار می دهد و خانه های خوبی را هم برایشان می سازد اما سندی به آنها داده نمی شود. و همه اسناد بنام سازمان می شود ما تصمیم گرفتیم که همه اسناد به نام ساکنان بومی داده شود تا کسی دغدغه ای نداشته باشد و فرزندان هم که در آن منطقه به دنیا می آمدند زمین در اختیار آن ها قرار دادیم. اقداماتی نیز در جهت ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران در نظر گرفته شد مانند مصوبه ورود کالا بدون اخذ عوارض گمرکی و خروج کالای همراه مسافر، مرمی که این قانون را می دیدند همینند چه بهره برداری هایی می توان از آن کرد و با توجه به کمبودهایی که در کشور وجود داشت اقدام متعددی از جمله لوام بدکی، شکر، کالوالم دستگه های آب شیرین کن، ایچادریقی، پایدار، توربین های آل استون و سیستم فاضلاب و سایر زیر ساخت ها را فراهم، تجهیز و راه اندازی کردیم. فروشگاهها و بازارها و کاخ ها را به بخش خصوصی تامدت ۲۰ ساله واگذار کردیم تا راه اندازی شوند.

در آن سالها به دلیل جانفندان نحوه مشارکت و فعالیت بخش خصوصی باروش های مختلفی زمینه های این کار فراهم کردیم. قرار بر این شد که آقای میرزاده معاون نخست وزیر بودند بازدید از جزیره کیش داشته باشند و در این فکر بودم تا موضوع موافقت با واگذاری به بخش خصوصی را به گونه ای مطرح کنم که مخالفتی نشود و برای بازدید به کاخ شاه سابق رفتم و همه بالکنیز و به صورت سه شیف مشغول کار بودند. میرزاده پرسید: با کدام پول این کارها را انجام می دهید؟ گفتم به سرمایه گذار اجازه داده ایم پروژه را به اتمام برساند و ده تا ۱۵ سال بتواند از آن بهره برداری کند بعد آن را به ما واگذار کند. بلافاصله یک از نمایندگان مجلس که همراه ایشان در این سفر بودند، را صدا کردند و گفتند ببینید چه ابتکار خوبی به خرج داده اند. همان موقع بود که من خیالم راحت شد که استفاده از ظرفیت های مشارکت سرمایه گذاران خصوصی ایرادی ندارد و با سرمایه گذارانی مثل آقایان نوری، حسن شاهی، پورقاسی و... قرارداد بستیم که همه پروژه ها هم به پروژه های موفق تبدیل شدند اما در نهایت به دنبال این بودیم که بعد از بیست سال ملکیت را هم



به خودشان بدهیم چون معتقد بودیم اگر مردم موفق باشند متولی مجموعه هم موفق است. واقعیت این است که ما هر چند سنگین تر می شدیم بیشتر به زمین فرو می رفتیم و کسی هم به دامان نمی رسید لذا اتخاذ این سیاست باعث شد جزیره کیش سریع خودش را بسازد و در جهت رشد و رونق حرکت پویایی داشته باشد.
یزدان پناه افروز دبیر اول بالابردی سطح فرهنگ در جزیره هم کلاس های متعددی برگزار می شد و به صورت نامحسوس مسائل مختلف را آموزش می دادیم. هم چنین کارکنان سازمان را با این موضوع آشنا کردیم که اگر بخش خصوصی موفق باشد ما به عنوان مدیران و متولیان موفق خواهیم بود و همه درک درستی از این موضوع داشتند و خدا را شکر همه سرمایه گذاران ما هم مردمان شریف و محترمی بودند و با علاقه و شبانه روزی کار و تلاش می کردند.
وی گفت: یکی از مواردی که سرلوحه کار ما بود جذب حداکثری متقاضی سرمایه گذاری در جزیره کیش بود چون آن زمان کمتر کسی اعتقاد می کرد که در این منطقه سرمایه گذاری کند.

یزدان پناه در ادامه سخنان خود گفت: بالاخره بعد از در پیش گرفتن این چنین سیاست هایی پس از حدود دو سال و نیم خدمت از جزیره کیش رقتم و سازمان عمران کرمان را تاسیس کردم و بعد از آن به سیرجان مامور شدم. پس از مدتی مقارن شد با اتخاذ تصمیمات جدید برای مناطق آزاد و مدیران عامل تعیین می شدند و من هم مجدداً برای مدیر عاملی کیش انتخاب شدم و کار را با علاقه و انگیزه مضاعف ادامه دادم. دیگر کار با مردم و چگونگی ارتباط با سرمایه گذار راهم یاد گرفته بودم و از این تجربه استفاده کردم. سرمایه گذاران و مسافرانی که به کیش سفر می کردند را سرمایه خود میدانستیم و اعلام کردیم که همه برای خدمت آمده ایم. همه کارها را بخش خصوصی انجام میداد و ما فقط نظارت می کردیم و معتقد بودیم که ما میرویم و این سرمایه گذار است که می ماند!

طرح جامع کیش در دوره دوم خدمت
ما اساساً در دوره دوم می بایست یک مطالعه همه جانبه درباره جزیره کیش انجام می دادیم و چشم انداز حداقل تا ده سال آینده را بررسی و تدوین می کردیم. برای رسیدن به این هدف طرح جامعی تهیه شد و جزیره کیش را به عنوان منطقه بین المللی در نظر گرفتیم که بتواند پذیرای توریست خارجی باشد و سرمایه گذار خارجی هم جذب شود. برنامه این بود که جزیره کیش به عنوان "مرکز توزیع توریست در ایران" معرفی شود. برگزاری و میزبانی از رویدادهای بزرگ ورزشی و هنری و فرهنگی در کیش هم از اهداف دیگر ما بود همان زمان هم می دانستیم که شاید نتوانیم در این حد توسعه و آبادانی داشته باشیم اما می توانستیم امیدواریهایی را ایجاد کنیم. هتل ها برای گردشگران و ورزشکاران آماده می شد و باعث می شد همه بخش های مختلف گردشگری منتفع شوند. از تمام دانشگاههای معروف ایران خواستیم در کیش شعبه داشته باشند و شعبات مختلف آن ها تأسیس شد. به طور کلی در هر موضوعی بزرگترین و با کیفیت ترین اقدامات را در کیش انجام دادیم و بر برنامه ریزی شد. یزدان پناه گفت: معتقد بودم که اگر سرزمین اصلی نیازمند کیش نباشد کیش ممکن است متروکه شود ما باید در نظر گرفتن چنین برنامه هایی می خواستیم حیات کیش را پایدار و دائمی کنیم و هر کس با هر سلیقه ای می توانست در کیش سرگرم شود. یک خاطره جالب برایتان تعریف کنم: در زمان های بانندگی خوشحال بودیم و زیر باران قدم میزدیم آب های جاری شد به چند قنات بزرگ در کیش بر خورد کنیم و قنات ها یک به یک کشف می شدند. حتی چاه های آب پیدا شد و تصمیم گرفتیم آن ها را به جاذبه گردشگری تبدیل کنیم و سرمایه گذار جذب کردیم و کاریز کیش ساخته شد.

وی در خصوص نحوه جذب و بکارگیری نیروها در سازمان افزود: بر اساس شایستگی و توانایی نیروها را می چیدیم و به هیچ وجه کارمندان سفارشی نبودند. زمانی که در آمریکا زندگی می کردم یکی

از چیزهایی که خیلی جلب توجه می کرد رعایت فرهنگ و ادب در رانندگی و استفاده نکردن از بوق بود از آرزوهای من این بود که این فرهنگ در ایران هم وجود داشته باشد و خوشبختانه جفا افتادن این فرهنگ در جزیره کیش عملی شد و دقیقاً کیش جایی بود که می توانستیم این فرهنگ را پیاده کنیم. مقررات راهنمایی و رانندگی چون در جهت امنیت و رفاه مردم بود و مردم آن را پذیرفتند و چند سال طول کشید تا فرهنگ ترافیک در جزیره کیش درونی و در کشور سر آمد شود. برای رانندگان تاکسی کلاس می گذاشتیم و به آنها می گفتیم شما مهمترین شغل در کیش را دارید و چون توریست به عنوان سرمایه کیش اولین برخورد آخرین برخوردش با شماست! همکاران و معاونان را به سفرهای خارجی ترغیب می کردیم تا بتوانند از آنها الگو بگیرند تا کیش را منحصر به فرد بسازیم. یزدان پناه گفت: به اعتقاد من منطقه توریستی با طوری باشد که وقتی گردشگر از راهیما پیاده می شود منطقه برایش جذاب باشد تا برای اوصاف آن را برای دیگران تعریف کند.



همان شب کیش را خدا سپردم...

برای انجام کارها همیشه عجله داشتیم چون هر آن می توانست اتفاقی بیفتد و دیگر مسئولیتی نداشته باشیم. اگر پیش از این می ماندیم می توانستیم همه پروژه ها را اجرایی کنیم. همه چیز آماده بود و پول نمی خواست و چون همه کارها به عهده مردم بود و فقط پیگیری و نظارت لازم بود. اما در کل رمز موفقیت آن دوران مزاحمت ایجاد نکردن برای مردم و سرمایه گذاران بود و جلوی مردم رانمی گرفتیم. روزهای آخر دوران مسئولیت چند نفر از نمایندگان مجلس برای بازدید از پروژه ها به کیش آمده بودند و همه ایشان می کردم برای بازید از یکی از قنات ها رفتم و لحظه ای چراغ ها خاموش شد؛ متوجه نبودم و در گردالی اقدام و ناخیزه زانو به شدت دچار آسیب شدم و به ناچار برای عمل به تهران رفتم و بعد از بازگشت به کیش شیدم که در دوره دولت جدید آقای قاسمی برای مدیر عاملی کیش معرفی شدند. من هم خیلی راحت و به سادگی پذیرفتم و تنها یک پیام خداحافظی دادم چون نمی خواستم مراسمی برگزار شود خیلی معمولی پرواز آخر شب را گرفتیم و همان شب کیش را به خدا سپردم فقط من و راننده ام در راه گاه بودیم، راننده تا فرودگاه گاه گریه می کرد و در هواپیما هم چند نفر که نمی دانستیم از کجا فهمیده بودند برای خداحافظی آمده بودند و پرونده من در کیش به این شکل بسته شد، به همین سادگی!



روزنامه اقتصاد کیش

۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴



@eghtesadkish



۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴



۰۷۶ ۴۴۴۲۴۹۹۹۹

